

رموز قهقه از دیدگاه روانشناسی

(۷)

جلال ستاری

آئین تشرف به اسرار (Initiation) در قهقه‌ها بدینگونه آمده است که قهرمان برای رسیدن به کمال یا مقام و حالتی برتر در سلسله مراتب وجود به جستجوی انسانی (که غالباً نامزد قهرمان است)، گنج یا چیزی جادوئی برمی‌خیزد. قهرمان دلیر در پادشاه بشوق قبله دل و کعبه حاجات خویش کارهای نمایان می‌کند و بفرجام بدمقصود می‌رسد. آن چیزهای جادوئی همه مظاهر قدرتی است که به یمن شناسائی اسرار و رموز بدست می‌آید از قبیل کلاهی که چون به سر نهند از دیده‌ها پنهان می‌گردند، عصا یا شمشیری که دارند گانش شکست‌ناپذیر می‌شوند، آب زندگی، کفشی که هر که به پا می‌کند سرعت برق راه می‌یابد، حجر فلسفی در کیمیاگری که نماد رستگاری است و طلا که نشانه معنویت و قدوسیت است.

بنام مثال در بعضی قهقه‌ها می‌خوانیم که سه چیز جادو بیماری‌ملکه را درمان خواهد کرد: درخت سرو بخوان، مرغ سخنگو و آب زرین. جوینده این چیزهای جادو اگر بعضی مراسم و آداب را بجا نیاورد یا به پیمانی که بسته و فایده‌دار نماند سنگ می‌شود، اما بعضی یافتن یا دیدن آن چیزها به حالت انسانی خویش باز می‌گردد. عادتاً دختر جوانی به آن چیزهای جادو دست می‌یابد و به نیروی اراده طلسم را می‌شکند و در پله بازآوردن جوان یا مردم سنگ شده يك شهر به حالت انسانی می‌گردد. گاه دختر نیرنگی بکار می‌برد، مثلاً برای شنیدن صدائی هر اسانگیز سوراخ‌های گوش خویش را با موم می‌بندد. بفرجام دختر چیزهای جادو را بدست می‌آورد و در بازگشت به شهر خود با پیر مرد اندرز گو که او را به جستجوی آن چیزها فرستاده یا مرشدی تارک دنیا ازدواج می‌کند و پیر مرد پس از وصلت با دختر به صورت ملکر آمده‌ای جوان درمی‌آید.

در داستانهای مربوط به شاه آرتور حدیث دلاور جوانی از بارگاه آرتور در میان است که کاری خطیر و ناممکن برای عامه مردم را پیروزمندانه تمام می‌کند و با دختری که در این ماجرا نقش و دستی دارد پیوند زناشوئی می‌بندد و دختر هسر خود را به سلطنت قلمروی که جهیز نوعروس است می‌رساند. این حدیث حاوی روایت شگرف جستجوی جام مقدس به اسرار و رموز.

در قهقه Cendrillon قهرمان جوئی روشنائی است. می‌دانیم که شاهزاده يك لنگه کفش را به پای دختران می‌آزماید تا صاحبش شناخته شود. این آزمایش کنایه از آئینی است که برای زناشوئی و تشکیل خانواده بجا باید آورد. در قهقه Cendrillon سبیده دم که از پدرش آزار و شکنجه می‌بیند جامه شب می‌پوشد یا زیر ابر پنهان می‌شود تا بهنگام تسلیم خورشید مطلع گردد. به تعبیر دیگر معنای باطنی قهقه وصلت سال نو با خورشید نوست. کفش شیشه‌ای معرف پاکی و زیبایی است. Cendrillon خادمه وابسته به آئین پرستش آفتاب و روشنائی و آتش است و آتش نیز نماد عشق و زندگی است.

بنام مثال در بعضی قهقه‌ها می‌خوانیم که سه چیز جادو بیماری‌ملکه را درمان خواهد کرد: درخت سرو بخوان، مرغ سخنگو و آب زرین. جوینده این چیزهای جادو اگر بعضی مراسم و آداب را بجا نیاورد یا به پیمانی که بسته و فایده‌دار نماند سنگ می‌شود، اما بعضی یافتن یا دیدن آن چیزها به حالت انسانی خویش باز می‌گردد. عادتاً دختر جوانی به آن چیزهای جادو دست می‌یابد و به نیروی اراده طلسم را می‌شکند و در پله بازآوردن جوان یا مردم سنگ شده يك شهر به حالت انسانی می‌گردد. گاه دختر نیرنگی بکار می‌برد، مثلاً برای شنیدن صدائی هر اسانگیز سوراخ‌های گوش خویش را با موم می‌بندد. بفرجام دختر چیزهای جادو را بدست می‌آورد و در بازگشت به شهر خود با پیر مرد اندرز گو که او را به جستجوی آن چیزها فرستاده یا مرشدی تارک دنیا ازدواج می‌کند و پیر مرد پس از وصلت با دختر به صورت ملکر آمده‌ای جوان درمی‌آید.

در داستانهای مربوط به شاه آرتور حدیث دلاور جوانی از بارگاه آرتور در میان است که کاری خطیر و ناممکن برای عامه مردم را پیروزمندانه تمام می‌کند و با دختری که در این ماجرا نقش و دستی دارد پیوند زناشوئی می‌بندد و دختر هسر خود را به سلطنت قلمروی که جهیز نوعروس است می‌رساند. این حدیث حاوی روایت شگرف جستجوی جام مقدس به اسرار و رموز.



جنینی یا دوران کودکی تا هنگام بازگرفتن کودک از شیرخواری (است) یا آغاز ویدایت هر آدمی بهجت‌زا و بهشت‌آسا بوده است و سپس فاجعه و سانحه‌ای (که باز همان آسیب‌زایش یا صدمه ناشی از ولادت است) به این دوران خوش بهشتی پایان داده است. این حوادث اولیه سازنده تقدیر یا سرشت و خوی آدمی هستند. روانکاوی به استناد ماهیت بهشتی اصل و آغاز آدمی معتقد است که با یادآوری یا «بازگشت به گذشته» می‌توان برخی از حوادث آسیب‌زای نخستین دوران کودکی را زنده کرد و از میان برداشت.

شرح این بهجت و فرحناکی سرآغاز زندگی در مذاهب اقوام ابتدائی و نیز در مذاهب هند و ایران و یونان و ادیان یهود و مسیحی به تفصیل آمده است. گفتیم که از دیدگاه روانکاوی سرآغاز زندگی در دوران خوشی و فرحناکی است و با فن و روش روانکاوی می‌توان به اصل و آغاز بازگشت به گذشته که به اعتقاد فروید برای شناخت و درمان آدمی ضرور است در جماعات ابتدائی و باستانی شناخته و مرسوم بوده و در سراسر مشرق‌زمین مهمترین شیوه درمان بیماریهای روان - تنی بشمار می‌آمده است. تمدن‌های کهن مشرق‌زمین اعتقاد داشتند که رجوع آدمی به گذشته یا به اصل موجب تازه و نو شدن یا رستاخیز و تجدید حیات او می‌گردد. آئین رمزی بازگشت به بطن مادر (regressus ad uterum) که از مراسم تشرف به اسرار است بر همین اساس مبتنی است. در تمدن‌های باستانی تشرف نوجوانان به رموز آداب خاصی دارد که جنبه نمادی آن سخت آشکار و نمایان است. هدف همه این مراسم و آداب اینست که نوجوان به صورت جنین درآید تا دوباره زاده شود. بنابراین تشرف بمعنای «تولد دیگری» یا تولد ثانوی است.

نامادری در قومه‌ها معمولاً غرضه‌ایست. برخی به این اعتبار او را نماد سال‌کهنه می‌دانند. پیکار کودک با غول یا غفریت نیز در قومه‌ها معنایی باطنی دارد. کودک که مظهر روشنائی بامداد است راه بازگشت خویش در جنگل (= شب) را با سنگریزه (ستاره) معلوم می‌کند و خورشید (= غول) کودکان خود را که همان نخستین پرتوهای سپیده دم اند بدم در می‌کشد. به تعبیر دیگر معنای سری قومه آزمایش‌های باطنی است یعنی کودک ناتوان تنها پس از شناخت رموز و تشرف به اسرار نیرومند می‌شود. برای نیل به این مرحله مردانگی باید آداب و مراسمی در محلی پوشیده و بسته و متبرک (جنگل) انجام داد. تبدیل شکل و صورت نیز از جمله آداب و رسوم سری (مذهبی یا غیرمذهبی) بعضی جماعات است که بهنگام شناسائی رموز و تشرف به اسرار پوست جانوران به تن می‌کردند یا نقاب‌های حیوانی به چهره می‌زدند.

آئین تشرف به اسرار و اهمیت رجوع به اصل و آغاز هر چیز

از لحاظ روانکاوی اولویت ویدایت واقعی همان اولویت ویدایت انسانی یعنی نخستین دوران کودکی است. کودک در زمانی اساطیری و بهشتی برمی‌برد و از اینرو نظام و ساختمان ناهشیاری مانند نظام و ساختمان اساطیر است. روانکاوی با روش‌های خاص خویش «آغاز» زندگی خصوصی و بویژه مرحله خاص یا حادثه مشخصی را که با پایان دادن به بهجت دوران کودکی تعیین‌کننده سرنوشت آدمی بوده است روشن ساخته است. پس می‌توان گفت که در آغاز زندگی‌ای بهشتی وجود داشته است (از لحاظ روانکاوی این بهشت همان مرحله